

کوتوال قلعه تنهایی

جانانان لی دم

Jonathan Lethem

به خوانندگان ایرانی ام: از آن جایی که همواره ادبیات را زبان خالص بین ملل دیده‌ام که عنصری حیاتی مانند اکسیژن یا عواطف انسانی فارغ از مرزهای فرار دادی است، احساس می‌کنم علاقه‌تان به کارهای من، آثارم را تا نهایت این مرزها می‌گستراند. به همین علت سیاست‌گزاران هستم

جانانان لی دم



جانانان لی دم نویسنده آمریکایی از درد و رنج و عذابی می‌نویسد که در سال‌های آغازین هزاره سوم جهان او را به هم ریخته است. در حالی که آدم‌ها پناهی ندارند، سگ‌ها مورد مراقبت قرار می‌گیرند. آدم‌های درمانده‌ای که برای لقمه‌ای نان و جایی برای خواب مجبورند قاچاقی وارد مجتمعی شوند که ورود انسان به آن ممنوع است، مگر برای خدمت به سگ‌ها، آثار جانانان لی دم مشحون از چنین لحظه‌هایی است. گلستانه در استانه صدمین شماره کشف تازه‌ای کرده است؛ پرونده را با اجازه و اطلاع نویسنده و کارگزار ادبی‌اش سامان داده‌ایم. جانانان بسیار خوشحال است که در ایران خوانندگانی پیدا می‌کند. او «کوئوال قلعه تنهایی» است. راوی درد و تنهایی آدم‌هایی است که به پایین‌ترین سطح بر زمین کشیده می‌شوند و خاطره کرگدن یونسکو، مسخ کافکا و کوری ژوزه ساراماگو را زنده می‌کنند. شاید جالب باشد که در یکی از داستان‌های لی دم به نام تمثیل زاپلین داستان با کاروانی که می‌گذرد و سگ پارس می‌کند آغاز می‌شود که مثل آشنایی برای ماست. آدم‌های اعماق. آدم‌هایی هستند که آخرش به فکر می‌افتند که «سگی بگذار ما هم مردمانیم»

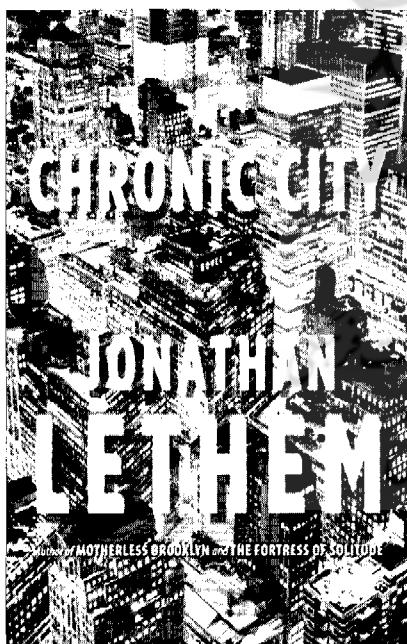
جانانان آل لی دم در نوزده فوریه ۱۹۶۴ در بروکلین نیویورک به دنیا آمد. لی دم قرار بود هنرمند شود، اما بعدها که به کالیفرنیا مهاجرت کرد به نوشتن پرداخت و چنان در آن غرق شد که به کار دیگری رغبت نشان نداد. نخستین رمان او «تفنگ با موسیقی پراکنده» در سال ۱۹۹۴ منتشر شد و «امر» ای از ژانر علمی و تخیلی و رمان پلیسی بود. به دنبال آن سه رمان دیگر هم از جانانان به چاپ رسید. در سال ۱۹۹۹ لی دم «بروکلین یتیم» را منتشر کرد که جایزه حلقه ملی منتقدان کتاب آمریکا را برد، موفقیتی که آسان به دست نمی‌آید. در سال ۲۰۰۳ «قلعه تنهایی» را به چاپ رساند که جزو رمان‌های پرفروش منتخب نیویورک تایمز شد. لی دم در عین حال داستان نویسی و مقاله نویسی قابلی هم به‌شمار می‌آید. لی دم فرزند ریچارد براون لی دم نقاش اوانگارد آمریکایی و خودبیت لی دم فعال سیاسی است. فرزند ارشد خانواده‌ای است با دو بچه دیگر. غیر از جانانان، برادرش بلیک هنرمند است و خواهرش مارا عکاس و نویسنده. محله‌ای که در آن بزرگ شده، محله جرم‌خیز نزاع و درگیری‌های نژادی بود. بعدها دوران کودکی خود را لذتبخش خواند. کلی کتاب خواند. با موسیقی باب دیلن آشنا شد و بیست و یک بار به تماشای فیلم جنگ ستارگان نشست. آثار کامل فیلیپ کی دیک را خوانده، به قول خودش رمان‌هایی که تحت تأثیر ماری جوانا با موسیقی راک پانک نوشته شده بود. پدر و مادرش زمانی از هم جدا شدند که او سن و سالی نداشت. سیزده ساله بود که مادرش بر اثر سرطان درگذشت.

پرونده



دبیرستان را که به پایان رساند در سال ۱۹۸۲ به کالج بنینگتن در ورمانت رفت و دانشجوی ساعی و باسوادی بود. در بنینگتن تجربه‌ای سنگین داشت. تجربه‌ای که پدر و مادرش مانع از آشنایی او با آن‌ها می‌شد. کم‌کم دریافت که علاقه‌اش به نویسندگی خیلی بیشتر از هنر است. لی دم وسط‌های سال دوم ول کرد و به زندگی خوش‌باشی رو آورد و با مفت سواری از دنور کلرادو راهی برکلی در کالیفرنیا شد. خودش می‌گوید: «احمقانه‌ترین کاری که در تمام عمرم انجام دادم، همین تجربه بود.»

دوازده سال در کالیفرنیا فروشنده یک کتاب‌فروشی بود که کتاب‌های دست دوم می‌فروخت و در زمان استراحت و اوقات فراغت به نوشتن می‌پرداخت. لی دم در سال ۱۹۸۹ نخستین داستان کوتاه‌اش را نوشت و منتشر کرد. تفنگ با موسیقی پراکنده در عین نزدیک شدن به مرزهای علمی و تخیلی، داستان‌های پلیسی ریچارد جندلر را به یاد می‌آورد. در این رمان کانگوروها حرف می‌زنند، مواد مخدر، زندان‌های نمودر تصاویر آشنای آینده هراس‌آور موج می‌زند. صحنه‌هایی که خود لی دم آن‌ها را هذیانی و پرت نامید. لی دم می‌گوید: «به‌عنوان اولین کار انتظام این بود که به صورت جیبی یا جلد نرم چاپ شود، اما ناشر معتبری مثل



هازکورت بریس آن را با جلد سخت منتشر کرد و من حسایی ذوق کردم.»
رمانی که با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و به عنوان اولین کار یک نویسنده
از دیدگاه منتقدان نیویوریک و نیویورک‌تایمز به صحنه توفیق بزرگتری پرتاب
شد و نام او را بر سر زبان‌ها انداخت.

تفنگ با موسیقی پراکنده در سال ۱۹۹۴ به جایزه معتبر نبولا دست یافت و
در نظرخواهی خوانندگان مجله لاکوس بهترین رمان اول شد. در اواسط دهه
نود، الن جی پاکولا کارگردان و تهیه کننده سینما، حق تولید سینمایی آن را
خرید و باعث شد که بول خوبی نصیب او شود و فروشندگی و کار در
کتاب‌فروشی را رها کرد و تمام مدت به نوشتن پرداخت. رمان دوم او که تجربه
سفر پیاده و سواره و مفت‌سواری است، «ماه فراموشی» نام دارد. این رمان زبان
کوچه و بازار و جاده را دارد و آینده آخر زمانی و پس‌آخر زمانی را به تصویر
می‌کشد. داستان‌های او در مجموعه «دیوار آسمان، دیوار چشم» به چاپ رسید
و سومین رمان او «وقتی خانم از روی میز رد شد» در سال ۱۹۹۷ منتشر شد.
در سال ۱۹۹۶ از منطقه سان‌فرانسیسکو به بروکلین برگشت و در کتاب
بعدی‌اش فضا به کلی عوض شد. «دختری در چشم‌انداز» داستان دختری در
استانه بلوغ است که با دنیایی روبه‌رو می‌شود، بر از جمعی بیگانه، معروف به
سازندگان اعظم. طرح و شخصیت‌پردازی دختری در چشم‌انداز بخصوص در
دو شخصیت اصلی یعنی دختر و پدر خشن و درعین حال، حامی قدرمند به
شدت تحت تأثیر جان وین در فیلم وسترن جست‌وجوگران است. «بروکلین
یتیم» هم بازگشت به مضمون کاراگاهی و رئالیسم عینی است. بروکلین یتیم
بار دیگر او را در کانون توجه قرار داد و جوایز متعددی را نصیب او کرد. جایزه
حلقه ملی منتقدان کتاب آمریکا، جایزه دشنه طلایی برای بهترین رمان
پلیسی، جایزه کتاب سالن و جایزه بهترین رمان سال اسکوایر از آن جمله
است. ادوارد نورتن هم فیلمنامه آن را آماده کرده و قصد دارد خود نیز در آن
ایفای نقش کند. نیویورک‌تایمز توفیق جانانان لی‌دم را ستود و از او به‌عنوان
استاد داستان نویسی نام برد که انواع ادبی و گونه‌های رمان را در هم می‌آمیزد.
لی‌دم می‌گوید مدیون هنر پدرش است که واقعیت موجود مجاز را در یک بوم
نقاشی به هم می‌میخت و بسیار طبیعی هم جلوه می‌کرد. لو گراسمن منتقد
سرشناس مجله تایم او را سردسته نویسندگانی می‌شناسد که داستان عامه
پسند و ادبی را در هم می‌آمیزد، نویسندگانی نظیر مارگارت اتوود، مایکل
شاین و سوزانا کلارک.

لی‌دم در سال ۲۰۰۳ دیدگاه خود را در خصوص نظرات دیگران در باره خودش چنین بیان می‌کند: «واقعیت این است که من تا هفت
هشت سال پیش اعتقاد داشتم که در مسئله طبقه‌بندی انواع ادبی و عقاید عمدتاً سیاسی - نویسنده حق دارد مرزها را به هم بریزد
و این نویسنده شاید خودم هم باشم. بحث بالا و پایین و مرزبندی‌های بین انواع و به هم ریختن آن‌ها به واقع واکنش برای گریز از
بحث درباره داستان‌های خودم است و دیگران. من صمیمی بودن کتاب را می‌پسندم و صراحت بیان و گاه حرکات زیرکانه و آب
زیرکاهی‌شان را. داستان به‌نظر من باید روایت زندگی باشد و خواب و رؤیا، وهم و تخیل هم بخشی هم از زندگی است. بخش‌های
متنوع آن قدر زیاد است که نمی‌توان بین‌شان تفکیک قائل شوی و مرزهای انواع در آن به هم می‌ریزد. «چند سال پس از آغاز قرن
بست‌ویکم یک مجموعه داستان نوشت و منتشر کرد و دو مجموعه را هم گردآورد. رمان قلعه تنهایی را در سال ۲۰۰۰ شروع کرده

بود و در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد. این رمان دربارهٔ بچه‌ای است که می‌خواهد روزنامه‌نگار هنری شود. رمان حال‌وهوای شرح حال شخصی دارد و بیشتر بر درگیری‌های نژادی و مشکلات بزرگ شدن در بروکلین در اواخر دههٔ هفتاد تأکید دارد. شخصیت‌های اصلی رمان دو پسر هستند که با دو پیشینه متفاوت فرهنگی و خانوادگی در یک محل، بوم هیل زندگی می‌کنند و بزرگ می‌شوند. کتاب بلافاصله با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد و به پانزده زبان ترجمه شد و انتخاب اول سردبیر نیویورک تایمز فئعه تنهایی بود. بورسیه مکار تور در سال ۲۰۰۵ به او رسید. لی‌دم بعد از نیوگ باب دیلن و نگاهش به هنر او، بروکلین تیم و قلعه تنهایی به این نتیجه رسید که دربارهٔ بروکلین به حد کافی نوشته است و باید بروکلین را از صفحه ادبی خود پاک کند.



لی‌دم در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد که می‌خواهد شخصیت کمیک‌استریپ اومگای ناشناس را در ۱۰ شماره پی‌درپی زنده کند. همکار سابق او در این پروژه با شنیدن خبر برآشفست و از این که رفیقش او را پیچانده عصبانی شد و یکی دو جا حرف‌هایی علیه او زد، اما بعدها با خود لی‌دم که صحبت کرد مجاب شد و گفت که در مورد او دچار سوءتفاهم شده بود و درست قضاوت نکرده. لی‌دم حالا رمان «شهر دیرینه» را می‌نویسد که در ایست‌ساید منتهن می‌گذرد و به شدت تحت تأثیر سائول بلو نویسنده نسمی و برندهٔ نوبل ادبیات قرار دارد و از سرگیجه الفرد

هیچکاک هم بی‌نصیب نمانده‌است. این کتاب هم طی چند ماه آتی منتشر خواهد شد.

لی‌دم زندگی شخصی متلاطم و پر فراز و نشیبی داشته است. در سال ۱۹۸۷ با شلی جکسن نویسنده و هنرمند ازدواج کرد و در سال ۱۹۹۷ کارشان به جدایی کشید. سه سال بعد با جولیا روزنبرگ تهیه‌کنندهٔ کانادایی سینما ازدواج کرد که آن هم دو سال بیشتر نپاید. لی‌دم حالا با همسر سوم خود در بروکلین زندگی می‌کند، اما از بریکین نمی‌نویسد. شانزده کتاب دارد و ده‌ها مقاله. داستان «بارتمان اوا» ماه مه همین سال در مجلهٔ نیویورکر چاپ شده بود که تقدیم خوانندگان می‌شود. □



پرتال جامع علوم انسانی

